«تمساح خونی» جواد عزتی همچنان می‌فروشد؟ اما کافی نیست

گروه فرهنگ و هنر– فیلم سینمایی کمدی «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی، در کمتر از یک ماه به فروش ۸۰ میلیارد تومانی رسیده است.

کمدی سینمایی «تمساح خونی» نخستین ساخته جواد عزتی به تهیه‌کنندگی کامران حجازی، طبق اعلام پخش‌کنندگان« تاکنون رکوردهای مختلفی را در کمتر از یک ماه اکران خود در سینماها جابجا کرده است. این فیلم به مرز فروش ۸۰ میلیارد تومان رسیده است.

ثبت این رقم فروش درحالی است که بدون احتساب یک هفته تعطیلی سینماها در نوروز ۱۴۰۳ به دلیل شب‌های قدر، هنوز مدت زمان اکران این کمدی به یک ماه نرسیده است.»

«تمساح خونی» در ۲۸ روز اکران توانسته با جذب بیش از ۱ میلیون و ۴۲۰ هزار مخاطب در سالن‌های سینما به فروش ۸۰ میلیارد تومانی دست یابد.

این فیلم با بازی جواد عزتی، عباس جمشیدی‌فر، سعید آقاخانی، الناز حبیبی، بهزاد خلج و شبنم قربانی، یک اکشن –کمدی است و از جمله ژانرهایی است که کمتر در سینمای ایران ساخته شده‌اند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است:«ما می‌خوایم بزرگترین قورباغمونو قورت بدیم! طعمه بزرگ، دردسرای خودشو داره، ولی ما قراره بدون خون و خونریزی شکارش کنیم؛ آخه ما از تمساح‌ها باهوش‌تریم...!»

«تمساح خونی» در چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی فیلم اول را برای جواد عزتی به ارمغان آورد.

فیلم کیارستمی در موزه آکادمی اسکار

گروه فرهنگ و هنر–فیلم «خانه دوست کجاست؟» ساخته عباس کیارستمی در موزه تصاویر متحرک آکادمی اسکار به روی پرده رفت.

فیلم «خانه دوست کجاست؟» ساخته عباس کیارستمی فیلمساز شناخته‌شده ایرانی در عرصه بین‌المللی در بخش نمایش‌های موزه تصاویر متحرک آکادمی اسکار برای علاقه‌مندان به نمایش گذاشته شد.

این فیلم روز ششم آوریل (۱۸ فرودین) و از ساعت ۱۱ صبح به وقت محلی در موزه آکادمی و در بخش ویژه فیلم‌های خانوادگی به روی پرده رفت.

«خانه دوست کجاست؟» به کارگردانی و نویسندگی عباس کیارستمی در سال ۱۳۶۵ ساخته شد. این فیلم بخش نخست اول از سه گانه کوکر است و دو فیلم دیگر «زیر درختان زیتون» و «زندگی و دیگر هیچ» که پس از این فیلم ساخته شدند.

داستان فیلم « خانه دوست کجاست؟» درباره یک بچه‌مدرسه‌ای است که متوجه می‌شود که دفتر دوستش را به اشتباه برداشته‌است؛ بنابراین از خانه بیرون می‌رود تا او را پیدا کند و دفتر را به او پس دهد، اما راهی دشوار و دراز در پیش است و فرصتی اندک. پسر بچه که در روستای کناری زندگی می‌کند به بهانه خرید نان از خانه خارج می‌شود و تا غروب آن روز به دنبال خانه دوستش می‌گردد اما نمی‌تواند خانه را بیابد و غمگین به خانه خودشان برمی‌گردد؛ ولی تصمیم می‌گیرد تکالیف دوستش را برایش بنویسد تا مانع اخراج شدن او شود و صبح فردا دفتر را به او برساند.

مخاطب؛ بازیگر اصلی «گناه فرشته»

■ مخاطبان «گناه فرشته» تا امروز دو دسته شده‌اند: بخشی به وضوح از آن عصبی هستند و بخشی به جد از آن لذت می‌برند. اما چرا تا این اندازه صفر و صد؟ احتمالا دلیلش بازی روانی و پنهانی است که سازندگان اثر با ذهن مخاطب راه انداخته‌اند.

نیما رجبی

گروه فرهنگ و هنر– ستایش محمدی؛ روانشناس بالینی و پژوهشگر هنر؛ معمولا جنجال‌ها در خلا شکل نمی‌گیرند. یعنی در موضوعی مشترک، زاویه نگاه افراد مختلف، بحث با ابعاد گسترده و فراگیر ایجاد می‌کند. با این تعریف، «گناه فرشته» با توجه به حجم بازخوردهای جنجالی‌اش، سریال پرمخاطبی است. پرمخاطب شدن این نوع آثار معمولا امکان‌پذیر نیست. در همه جای جهان، خلق اتمسفری نامعمول با نشانه گذاری‌هایی به ظاهر کلیشه‌ای و آشنا، آن هم برای مخاطب گسترده ریسک بالایی است. چرا که داستان در این نوع روایت، گاه لایه‌هایی آنقدر پنهان و پیچیده پیدا می‌کند که برای درک عمیق و درستش نیاز به تامل و تفکری جدی است. همین دلیل مهمی می‌شود که مخاطب عام و درگیر روزمره‌گی، در برابر پذیرش مختصات جدید و خاص جهانِ اثر مقاوم باشد و حتی با وجود احتمالِ دنبال کردنش از سهل نبودن اطلاعات دریافتی اش عصبی شود. اما گاهی اگر مخاطب اعتماد کند و دل به دل خالقان اثر بدهد شاید حتی در طول مسیر، بعدی دیگر از خود را کشف کند. کاری که هنر آثار سایکودرام است.

نور انداختن بی رحمانه به بخش های تاریک روان و درونیات ذاتی انسان که به مثابه یک آینه برای مخاطب بیرونی عمل می‌کند. یحتمل دلیل یک‌سری واکنش‌های تند و تیز در فضای مجازی به سریال نیز همین باشد. آن هم از سوی مخاطبانی که خود نیز لجوج اند و بیشتر خواستار محصولی منطبق با انتظارات و کلیشه های ذهنی شان هستند.

مخاطبان «گناه فرشته» هم بر همین اساس تا امروز دو دسته شده اند: بخشی به وضوح از آن عصبی اند و بخشی به جد از آن لذت می برند. اما چرا اینقدر صفر و صد؟ احتمالا دلیلش بازی روانی و پنهانی است که سازندگان اثر با ذهن مخاطب راه انداخته اند. «گناه فرشته» سریال لجوج و یک دنده ای است. اهل باج دادن نیست. قوانین دنیای خودش را دارد و به آنها پایبند می ماند حتی به قیمت ناسزا شنیدن و گاهی تخریب شدن.

کدام بازی؟ بعید نیست در هفته های پایانی پخش سریال عده بیشتری فهمیده باشند بازیگر اصلی «گناه فرشته» خودشانند. بله، خودِ خود مخاطب. ولی اصلی ترین مخاطب این داستان کیست؟ وکیل متمول و ظاهرا موفق و باهوشی به نام حامد تهرانی. کسی که درست مثل باقی مخاطبان سریال بی خبر از بازی های پشت صحنه، وارد میدان جنگی مبهم می شود و تا انتها، حیران از اینکه بالاخره دوست و دشمن کیست، روان و دستاوردها و به کل زندگی اش را می بازد. در این بین بی وقفه نیز دانسته ها و قضاوت هایش به چالش کشیده می شود و همزمان شاهد هیچ اتفاق رو به جلویی در طول مسیر نیست، درست مثل باقی مخاطبان! حامد تهرانی چهل و چند ساله با رنجی ۱۴ ساله از ابهام قتل یا خودکشی مادرش پروانه، در مواجه شدن با گناهِ فرشته، معصومانه و به دور از تحلیل‌های دنیای واقعی فقط یک چیز می خواهد: آن که قاتل مادرش را به درک فرستاده، از طناب دار دور شود. به هر قیمتی و جایی که رسیدن به آن را تا حدی محال می بیند تصمیم دیگری می گیرد: خوشحالش کند. باز به هر قیمتی. و در طول سریال این به هر قیمتی را همه جوره معنا می کند.

برای حامد تهرانی برخلاف دیگران و حتی مخاطبان، گناهکار بودن یا نبودن فرشته، مهم نیست. انگیزه‌اش هم از نجات او، شخص فرشته نیست و یحتمل اگر دیگری هم عشیری را کشته بود، باز همه چیزش را برای نجات او از مجازات قصاص حراج می کرد. به قول عماد کار نیمه تمامی، تمام شده و دین بزرگی بر گردن خانواده تهرانی مانده. کاری که به قول پسرش حامد باید همان ۱۴ سال پیش قالش کنده می شد.

اما پذیرش این به هر قیمتی آن هم در موقعیت های این سریال برای مخاطب سخت است. باور عمومی معمولا به دنبال منطق و عرف و قانون در رفتار و مواجه شدن با وقایع است، حتی در یک اثر نمایشی، بی آن‌که به یاد داشته باشد او خود نیز امروز حاصل بسیاری از رفتارهای به ظاهر غیرمنطقی دارد، بلکه در تار و پود ساختار اثر و دیالوگ هایش.

از ابتدای داستان مخاطب خیلی زود، از روی کنش و واکنش شخصیت ها به وقایع، شروع می کند به قضاوتشان. طبیعی است. اما نکته جذاب، بازخوردهایی است که نشان می دهد در طول مسیر مدام این قضاوت ها دستخوش تغییر شده. حامدِ باهوش و متعهد می شود وکیلی احمق و هوسباز، فرشته معصوم و بی گناه می شود شروری ترسناک، مهتاب نچسب و خائن، می شود بیچاره ای مُحق و مظلوم، عماد ادیب و از کار افتاده می شود پدرخوانده پست فطرت و غیر قابل درک و ... و احتمالا بی ثباتی در امکان قضاوت قطعی و دقیق آدم های داستان و انگیزه هایشان تحسین برانگیزترین بخش سریال

مخاطب «گناه فرشته» طی داستان این سریال مدام در دو راهی های اخلاقی قرار می‌گیرد و باید سوالات اساسی و جدی ای از خودش بپرسد. سوالاتی که شاید جوابش بنیان های فکری و اخلاقی اش را به هم بریزد. خب احتمالا قرار گرفتن در چنین موقعیتی برای هیچ مخاطبی احتمالا آسان و دوست داشتنی نیست.

است که تنها انگیزه های شخصی و درونی توجیه کننده اش است. بازی سازندگان «گناه فرشته» با مخاطب نیز حل پازل معمای قتل عشیری نیست. قتل فقط بهانه است. اصل، قضاوت مسیر آدم های قصه است برای رسیدن به خواسته هایشان. هر مخاطبی از زاویه نگاه خودش درگیر انگیزه های مبهم و حتی نامعقول شخصیت های سریال می شود و در این مسیر کلی «چرا؟!» هم پیدا می کند. آن هم با تماشای کلی اشتباه، ترس، رنج، حماقت، عدم درک و پشیمانی از سوی آن ها.

«چرا فرشته با وجود خطر مرگ عاشق حامد شد؟!»، «چرا حامد از همه چیزش برای فرشته گذشت؟!»، «چرا نویدِ متنفر از پدر، عشق سابقش فرشته را نبخشید؟!»، «چرا مهتاب پرونده را همان اول رها نکرد؟!»، «چرا همه چشم بسته به عماد می گویند چشم؟!» و کلی چرای دیگر که سازندگان سریال جواب همه شان را داده اند اما نه آنقدر ساده و دم دستی که مخاطب انتظار «گناه فرشته» باشد. اوج مواجه شدن مخاطب با قضاوت هایش هم صحنه ملاقات خصوصی و اعدام فرشته است. جایی که مخاطب نمی داند آیا از نظرش فرشته باید برای کشتن عیاش و آدمکشی چون عشیری اعدام شود یا برای دلبری کردن بی‌پروا و نامعقول با وکیل خوش تیپ و متاهلش؟! و اصلا آیا بعد از این همه وقایع از اعدام فرشته باید خوشحال باشد یا غمگین.

یا اگر من جای نوید بودم و می دانستم پدرم با دختر جوانی که عاشقش بودم چه کرده باز قصاص می خواستم یا پس از وقایعی که اتفاق افتاده طناب دارش را سفت تر می کردم؟ دوراهی هولناکی است برای ناخودآگاه ذهن مخاطب. جایی که بی پرده با خودش مواجه می شود و دیگر مطمئن نیست با دیدن همه وقایع باز هم به قضاوت درستی از آدم های قصه رسیده یا نه؟ سوالی که لازم است در زندگی روزمره و مواجه شدن با آدم ها و وقایع شخصی و اجتماعی نیز مدام در ذهنمان بچرخد. مخاطب «گناه فرشته» طی داستان این سریال مدام در دو راهی های اخلاقی قرار می گیرد و باید سوالات اساسی و جدی ای از خودش بپرسد. سوالاتی که شاید جوابش بنیان های فکری و اخلاقی اش را به هم بریزد. خب احتمالا قرار گرفتن در چنین موقعیتی برای هیچ مخاطبی احتمالا آسان و دوست داشتنی نیست. به قول آگاتا کریستی «سوالهایی وجود دارد که شما از ترس شنیدن جواب هرگز نمی‌پرسید.» پس ترجیح می دهد یا فرار رو به جلو کند، یا سختی این موقعیت را به جان بخرد و خود را در بوته آزمایش بگذارد و یا مثل خیلی ها بی تفاوت فقط کمی دورتر از طناب دار بایستد و همراه تخمه خوردنش مراسم را تماشا کند و بعد هم به ادامه زندگی اش برسد. موقعیت آشنایی نیست؟!

از آن طرف «گناه فرشته» سریالی کاملا نمادین است. منتها با واقعیت به شکل جدی و ملموسی ترکیب شده. همین می شود که عده ای با اشاره به آن بخش های به ظاهر واقعی، باور نمی کنند جور متفاوت تری هم می شود بخش‌های دیگر سریال را دید و تحلیل کرد. با اینکه زندان و زندانی و دادگاه در این سریال نسبت به واقعیت ایرانی اش بسیار غیر واقعی است، اما نمادین بودنش آخرین چیزی است که به ذهن برخی می رسد. شاید چون اگر این نمادین بودن را بپذیرد آن‌گاه مجبور است باقی چیزها را هم با همین فیلتر نگاه کند. آن وقت ممکن است خودش یا زندگی اش را لا به لای مفاهیم داستان پیدا کند. طبیعتا مواجه شدن بی پرده با خود و جهان پیرامونی که در شکل دادن به آن موثریم و قضاوت آن از بیرون، جزو سخت ترین لحظات زندگی هر انسانی است.

البته بخشی از ایراد گرفتن ها در این زمینه هم شاید به بازی های درست بازیگران اصلی برمی گردد. آن ها خیلی واقعی در جهانی نمادین قرار گرفته اند و مخاطب مدام دوست دارد با پیش فرض های آماده اش آن ها را قضاوت کند تا زود فتیله تعمق را پایین بکشد؛ اما سازندگان سریال نمی گذارند. آن‌ها مدام ذهن مخاطب را برای کشف درونیات آدم های قصه‌شان تحریک می کنند. مخاطب هم لجوجانه مقاومت می کند. باید به دقت شخصیت ها را ببینی، حرف هایشان را بشنوی، عمق و دلیل روابط شان را درک کنی و بعد با تحلیلی درست و چند جانبه به درک درستی از رفتارشان برسی. این همان ریسک بزرگ سازندگان «گناه فرشته» است. ایجاد جدل در ذهن مقاوم مخاطب و مواجه کردن با حقیقتِ تفکرش در سنجش و قضاوت. نتیجه این جدل ها نیز طبیعتا همیشه برای مخاطبان مثبت نیست. «گناه فرشته» روایتی است از تشویش، تنهایی، ترس، رذالت، بی پروایی و عقده های عمیق ذات انسانی. بدون چاشنی امید. با مدل روایتی عامه ناپسند، آرام، سنگین، حراف و نمادگرا. حالا همانطور که هر هنرمند حق روایت هر داستانی را دارد، هر مخاطبی نیز حق ندیدن و نشنیدنش را. کما اینکه هر کدام‌مان فیلم و سریال و کتاب نیمه تمام و رها نشده در زندگی کم نداریم. اما اگر گاهی نمی‌دانیم چرا درگیر اثری می‌شویم که به ظاهر حتی دوستش هم نداریم، شاید تنها یک تغییر زاویه دید همه چیز را حل کند.

شاید ناخودآگاه ما از بازی ای که در آن قرار می گیرد لذت می‌برد بی آنکه صراحتا توسط خودآگاهمان اعلامش کند. «گناه فرشته» تماشاگرش را جدی گرفته و تجربه ای شده که می توان درباره ابعاد مختلف روانکاوانه، سیاسی–اجتماعی و حتی ساختاری اش حرف زد، نقاط ضعف و قوت برایش پیدا کرد، مخالف و موافق آدم های قصه اش بود و لایه هایش را بیشتر شکافت و این ویژگی مهمی است برای یک اثر.

حراج نقاشی‌های ارزشمند «باسکیا»

گروه فرهنگ و هنر– سه تابلو نقاشی اثر «باسکیا» درحالی به زودی راهی حراجی خواهند شد که ارزش آن‌ها در مجموع بیش از ۸۶ میلیون دلار برآورد شده است.

حراجی «فیلیپس» سه نقاشی مهم از «ژان میشل باسکیا»، نقاش نامدار آمریکایی که در یک مجموعه خصوصی ایتالیایی نگهداری می‌شدند را به ارزش کلی ۸۶.۵ میلیون دلار در بهار امسال به مزایده می‌گذارد.«آرت‌نیوز» نوشت، این آثار هنری که در فاصله ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲ خلق شدند از یک مجموعه خصوصی ایتالیایی در حراجی ارائه خواهند شد. مهم‌ترین اثر این مجموعه، تابلو نقاشی ۲.۵ متری «بدون عنوان» است که در آن

«ایکاروس»، یکی از شخصیت‌های اساطیر یونانی در حین سقوط از آسمان به تصویر کشیده شده است. انتظار می‌رود که این نقاشی به قیمت ۴۰ الی ۶۰ میلیون دلار فروخته شود.

علاوه بر این یک نقاشی «بدون عنوان» دیگر از این هنرمند نیز ارائه خواهد شد، که با نام «پرتره بازیکن مشهور» شناخته می‌شود، که ارزش آن بین ۶.۵ تا ۸.۵ میلیون دلار برآورد شده است. دو هفته بعد از حراجی این دو نقاشی در نیویورک نیز نقاشی «بومی با چند تفنگ، انجیل، آموریت‌ها در سافاری»(۱۹۸۲) با قیمت تخمینی ۱۲ الی ۱۸ میلیون دلار در هنگ کنگ به مزایده گذاشته می‌شود. نقاشی‌های «باسکیا» به ویژه در آسیا با موفقیت به فروش می‌رسند. در مه سال ۲۰۲۲ بود که یک نقاشی «بدون عنوان» متعلق به سال ۱۹۸۲ میلادی به قیمت ۸۵ میلیون دلار فروخته شد. این درحالی است همان نقاشی حدود ۶ سال قبل‌تر به قیمت ۵۷.۳ میلیون دلار در حراجی «کریستیز» چکش خورده بود.

تداوم نوآوری‌ها در «نون.خ»

گروه فرهنگ و هنر– فصل پنجم سریال «نون.خ» در شرایطی به روی آنتن رفته که این‌بار نیز تلاش بسیاری به خرج داده شده تا نوآوری های فصول گذشته، همچنان تداوم داشته باشد.

نون.خ ۵ از منظر شاکله بازیگری و به اصطلاح استخوان‌بندی هنرپیشه‌ها، بر پایه چهره‌های مشهورشده با این سریال قرار گرفته ولی همچنان آقاخانی تلاش کرده در هر اپیزود، یک یا چند بازیگر تازه را به مقتضیات قصه وارد داستان کند. جاده‌ای کردن ساختار سریال نون.خ ۵ هرچند تولید را دشوار کرده است اما راه را برای نوآوری‌های بیشتر از گوناگونی لوکیشن تا تنوع بازیگران بومی باز کرده است.

سعید آقاخانی در کنار نویسنده ثابت سریالش؛ امیر وفایی تلاش کرده‌اند بدون شوخی‌های شبهه‌دار و در عین حال، با شخصیت‌پردازی‌های تازه و تاکید بر ویژگی‌های مردمان هر جغرافیای تازه‌ای که مسافران قصه به آن پا می‌گذارند، به دنبال ایجاد کمدی موقعیت و بسترسازی مفرح برای مخاطب باشند. پرهیز از معطل نگه داشتن سرنوشت کاراکترها –به مانند برخی سریال‌های چندفصلی– و در عوض، ادامه دادن به داستان آدم‌ها در فصل پنجم سریال، کاملا محسوس است و از همه چشمگیرتر، ماجرای ازدواج سلمان با دختر آقانوری که بالاخره در فصل پنجم به وقوع پیوسته و حالا سلمان و همسرش هستند که با نورالدین و دوستان، راهی سفر شده‌اند.

کارگردان به خوبی دریافته که اگر در گذر فصول مختلف سریال، فکری به حال سرنوشت کاراکترها نکند و بخواهد همچنان آنها را در یک وضعیت قرار دهد، مخاطب دیر یا زود تکرار را متوجه می‌شود و از همین روست که فصل به فصل سعی کرده آدم‌ها را جلو برده و موقعیت تازه‌ای در زندگی آنها ترسیم کند.

فصل پنجم سریال در عین حال، تولید دشواری هم داشته که با وجود جاده‌ای بودن سریال، به نتیجه خوبی منجر شده. کیفیت نماهای جاده‌ای و رفت و برگشت‌های درست میان نماهای داخل مینی‌بوس و نماهای خارجی و سپس تعدد پلان در نماهای استراحتگاه‌های بین‌راهی و بوم گردی و...، نشان می‌دهد که این سریال در تولید هم سریال استانداردی بوده و آقاخانی تلاش خود را به خرج داده که در صنعت سریال‌سازی وطنی، گامی رو به جلو بردارد.

ادامه دادن به داستانی بومی، کار دشواری بوده و سعید آقاخانی به خاطر اصالت خود توانسته با گردآوری شماری از همکاران خبره که بسیاری از آنها نیز کُرد هستند، تا پنج فصل نون.خ را به سلامت از گذرگاه های مختلف عبور داده و آن را به برندی تبدیل کند که حالا بسیاری از آنها که سال‌هاست تلویزیون نمی‌بینند را به سمت تلویزیون آورده تا برای ساعاتی هم که شده، تماشاگر زندگی شیرین و ساده نورالدین خانزاده و همراهان باشند.

اطلاعیه مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان هرمزگان در نظر دارد اجرای آسفالت طرح هادی روستاهای حاجی آباد و کولغ بنی _کرمران و کنوئی _ مغوئیه_مهدی آباد _چراغ آباد و مزرعه تفضلی ،دهتل ،بردخلف و بمبری شهرستان میناب –بندرخمیر –بندرلنگه –بندرعباس – بستک_پارسیان را از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

داوطلبان شرکت در مناقصه می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

۱–آدرس دستگاه مناقصه گذار: بندرعباس، میدان فرودگاه، اداره کل بنیاد مسکن هرمزگان، امور قراردادها تلفن ۲–۳۳۶۷۰۵۸۰ داخلی ۲۳۳ – ۲۳۴

کد پستی: ۱۹۸۳۹–۷۹۱۹۶

۲– دستگاه نظارت: حوزه معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن هرمزگان

۳–نوع تضمین شرکت در مناقصه:

الف) ضمانت نامه بانکی

ب) فیش واریزی به حساب با شماره بانکی IR۴۱۰۱۰۰۰۰۴۰۶۲۰۳۶۸۰۷۶۸۵۰۷۹ بانک مرکزی به نام بنیاد مسکن هرمزگان با شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۷۶۰۸۵

۴– مبلغ برآورد اولیه و تضمین شرکت در مناقصه: به شرح جدول ذیل.

۵–تاریخ دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ لغایت ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

۶– آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات: تا ۰۸:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

۷– محل تحویل پاکت پیشنهادات: بندرعباس، میدان فرودگاه، ساختمان اداره کل بنیاد مسکن، طبقه همکف، دبیرخانه.

۸–تاریخ و ساعت و مکان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۹ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ در محل سالن جلسات بنیاد مسکن هرمزگان.

۹– رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی کشور الزامی است.

۱۰– بنیاد مسکن در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات رسیده مختار میباشد.

۱۱– هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه میباشد.

۱۲– حد نصاب تعداد شرکت کنندگان در مناقصه طبق ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی ارزیابی کیفی مناقصه گران می باشد.

۱۳– ارائه کد بورس و شماره شبا با تایید بانک مربوطه الزامی است.

۱۴–سایر جزئیات و شرایط در اسناد مناقصه درج شده است.

ردیف	نام پروژه	شهرستان محل اجرا	محل اعتبار	نوع اعتبار	مبلغ اولیه برآورد (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	اجرای آسفالت طرح هادی روستاهای حاجی آباد و کولغ بنی از توابع شهرستان میناب	میناب	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۱۴.۹۸۸.۲۲۷.۰۴۴	۷۴۹.۴۱۲.۰۰۰
۲	اجرای آسفالت طرح هادی روستاهای کرمران و کنوئی از توابع شهرستان بندرخمیر	بندرخمیر	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۲۳.۳۲۸.۱۲۰.۰۷۲	۱.۱۶۶.۴۰۷.۰۰۰
۳	اجرای آسفالت طرح هادی روستای مغوئیه از توابع شهرستان بندرلنگه	بندرلنگه	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۲۳.۵۸۲.۴۷۲.۴۶۴	۱.۱۷۹.۱۲۴.۰۰۰
۴	اجرای آسفالت سرد طرح هادی روستای مهدی آباد از توابع شهرستان بندرعباس	بندرعباس	متابع استانی و قیر	نقداقیر	۷.۸۶۱.۹۱۸.۶۱۸	۳۹۳.۰۹۶.۰۰۰
۵	اجرای آسفالت طرح هادی روستاهای چراغ آباد و مزرعه تفضلی از توابع شهرستان میناب	میناب	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۱۹.۷۲۹.۰۲۸.۲۸۶	۹۸۶.۴۵۵.۰۰۰
۶	اجرای آسفالت طرح هادی روستای دهتل از توابع شهرستان بستک	بستک	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۱۵.۱۶۵.۵۳۲.۷۱۶	۷۵۸.۲۷۷.۰۰۰
۷	اجرای آسفالت طرح هادی روستاهای بمبری و بردخلف از توابع شهرستان پارسیان	بستک	متابع استانی ملی داخلی و قیر	قیر	۱۸.۹۰۸.۴۴۵.۱۲۰	۹۴۵.۴۲۲.۰۰۰

روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان هرمزگان

شناسه: ۱۶۹۰۹۰۰

کیشوندان عزیز – می توانند هر گونه مشاهده عرضه مواد غذایی فاسد یا تاریخ مصرف گذشته در فروشگاهها و مراکز عرضه مواد غذایی را به این شماره ها اعلام دارند ۱۹۰ -۱۲۴ -۴۴۴۲۳۳۱۱ -۰۹۳۴۷۶۹۰۱۹۹

روابط عمومی مرکز بهداشت کیش